



تیتراهای امروز

آخرین وداع با حسین جوادی در قطعه ۲۵۵ بهشت زهرا (س)

در خاک وطن آرام گرفت



صفحه ۱۴

صدای انفجاری مهیب، شهر اربعا در جنوب عربستان را لرزاند

دومین حمله

اسکادی به سعودی

صفحه ۱۵

بی بی سی فارسی سعودی!

صفحه ۱۲

جزئیات طرح الزام دولت به حفظ دستاوردهای هسته‌ای امروز در صحن مجلس بررسی می‌شود

بهارستان در مقابل کنگره

صفحه ۲

روزنه

مهر ابطال هاشمی بر ایده خودش

امیرعلی جهانداد

سنگ‌بنای همه نظریات توسعه مساله اقتصاد بود و به واسطه آن اکثر ایده‌هایی که برای کشورهای مختلف داده می‌شد تا به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کنند، راهکارهای اقتصادی بود و به صورت کلی «توسعه اقتصادی» ایده رو به جلوی آمریکا برای کشورهای شرقی بود. در این بین دولت هاشمی بعد از جنگ تحمیلی آغازگر مسیر توسعه اقتصادی در ایران بود. مدلی از توسعه که در آن رشد اقتصادی منجر به توسعه‌یافتگی می‌شود، ایده مدل خطی رشد که منجر به رشد اقتصادی و آن نیز منجر به توسعه می‌شود اگرچه ۴۰ سال پیش در بین اندیشمندان توسعه، منسوخ شده بود اما هاشمی این مدل را با سیاست‌های تعدیل اقتصادی به کار گرفت تا ایران را به سمت توسعه‌یافتگی سوق دهد. ثمره مسیر طی شده هاشمی البته کاهش طبقاتی، ایجاد طبقه متوسط و تورم ۵۰ درصدی بود و همان وضعیت نابسامان اقتصادی باعث شد مردم نگاه اقتصادی هاشمی را در دوم خرداد طرد کنند. هاشمی و روحانی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ دولت را متهم به ناکارآمدی کرده و تنها راه نجات کشور از بحران را ایده مدیریتی خود برای اداره کشور می‌دانستند. آنها جزء حداکثری ماجرا را از سوءمدیریت دولت و جزء حداقلی را از تحریم و عوامل بیرونی می‌دانستند و معتقد بودند اگر ایده مدیریتی تکنوکراتیک آنها جایگزین ایده فعلی شود، مشکلات کشور نیز حل خواهد شد و کشور به ثبات و رونق خواهد رسید. روحانی با پشتوانه سیاسی هاشمی و خاتمی و البته معجزه اصولگرایی روی کار آمد اما ایده روحانی برای اداره کشور بعد از ۲۴ سال همان ایده‌ای بود که هاشمی در سال ۶۸ با آن می‌خواست کشور را متحول کند. با این تفاوت که این بار همه چیز کشور به یک مذاکره گره زده شده بود. مفروض اصلی این ایده آن بود که «همگرایی و تعامل با کشور توسعه‌یافته و اقبال‌ساز منجر به توسعه خواهد شد» و در این مسیر آمریکا مهم‌ترین کشور توسعه یافته و به عبارتی کدخدای دنیاست که همکاری با او بیشترین ثمره را خواهد داشت. برای این مفروض روحانی، هاشمی و همراهانشان چند نتیجه هم داشتند که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: ۱- کاهش تورم و خروج از رکود ۲- رونق بازار کسب و کار و فعال شدن چرخ صنعت کشور

ادامه در صفحه ۱۱

سخنگوی قوه قضائیه دلایل افزایش مجازات مهدی هاشمی در دادگاه تجدیدنظر را تشریح کرد

حکم در آستانه اجرا



سخنرانی مهدی هاشمی

شهدا نه بی‌رنگ بودند؛ نه بی‌رگ!

سید محمدعلی صدیقی

یادداشت میهمان شهدا هیچوقت بی‌رنگ نبودند؛ حتی اگر فلان روزنامه عشقش بکشد اینطور تیتیر بزند! شهدا نه بی‌رنگ بودند و نه بی‌رگ؛ این را از وصیتنامه‌هایشان می‌شود فهمید؛ این را از مقاومت با دست‌های بسته‌شان می‌شود فهمید؛ و البته این را خیلی‌ها نمی‌توانند بفهمند. کسی که اگر رویش بشود - که می‌شود - روز دیگر هم بعید نیست بگوید مشکل کربلا ضعف در دیپلماسی بود و باید به‌جای حرف‌های شعاری و اقدامات افراطی همچون پاره کردن امان‌نامه شمر خبیث روی سرش، در مقابل سپاه کفر از دیپلمات‌های کارآموده استفاده می‌شد تا سرنوشت کربلا به طرز دیگری رقم می‌خورد، پیام شهیدان را هم بعید است دریابد. کسی که تا دیروز آقازاده‌اش برای شدت یافتن تحریم‌ها بر ملت تلاش می‌کرد و حالا امروز بیکاره خواب‌نما شده، به میدان سخن می‌پرد و از آمدن پدر مردم از تحریم‌ها سخن می‌گوید تا لایب به این پدیده بوی بد دست دوستی به سمت شیطان بزرگ دراز کردن کمتر شود، بعید است از پیام شهدا چیزی سر در بیاورد... این پیام را روزنامه خانوادگی فلان آقا که حاضر است شهیدان را عریان تصویر کند تا مبدا پیراهنی داشته باشند و در جیب پیراهنشان وصیتنامه‌ای باشد که در آن شعاری افراطی نوشته شده باشد، خدای ناکرده مغایر با سیاست‌های اعتدالی اعتماد به گریز درنده تاریخ، بالا برویم و پایین بیاییم این پیام را درک نمی‌کنند! اما مردم چقدر خوب این پیام را درک کردند و به صحنه آمدند؛ چقدر خوب فریاد مظلومیت این شهیدان را در برابر جنایت آواکس‌های آمریکایی که عملیات را لو داده بودند، شنیدند و به صحنه آمدند و هر چه فریاد داشتند بر سر آمریکا کشیدند... این وسط روزنامه‌های هم با عصیانیت از حماسه مردم تیرت زد که ای شهیدان ما فقط برای بدرقه شما آمده بودیم! و یکی هم نیست که سوال کند شما اصلا مگر آمده بودی برادر؟! شمای که تا قبل از این حماسه یک تیتیر هم برای این شهدا نزدی که میبازا حماسه‌های آفریده شود و کسی شعار هیئات الما تنها سر بدهد، روز شیعیه کجا بودی برادر؟! نمی‌دانم شاید داشتی در مدح ضریب همبستگی آب خوردن مردم با تحریم‌ها آمارهای علمی از خود صادر می‌کردی یا شاید در حال سفارش مقاله درباره ارتباط نزدیک ازدواج جوانان و سوراخ لایه از با تحریم‌ها و تاثیر تشنگی ماه مبارک رمضان در شرایط تحریم، به سر می‌بردی؛ نمی‌دانم! فقط می‌دانم هر کسی پیام شهدا را درک نمی‌کند... شهدایی که فرق‌شان با تمام کشتگان تاریخ این بود که نه بی‌رنگ بودند و نه بی‌رگ!

یادداشت امروز

جامعه‌شناسی تحریف

تحریف در کدام جامعه طرفدار دارد؟

امیر استکی

تحریف را تعبیر کلام از موضع اصلی خود به گونه‌ای که منظوری خلاف منظور اصلی کلام از آن برداشت شود می‌دانند. هر حرف، متن و هر شخصیت فکری را می‌شود تحریف کرد. فقط کافی است تغییری در آن داده شود که مقصود متن را عوض کند، به همین سادگی! اما از آنجا که آگاهی از موضوع تحریف‌شونده در انحصار تحریف‌کننده نیست، هر نوع تغییر و تحریفی نیز موفق نخواهد بود و در اصل این نکته بسیار حائز اهمیت است که تحریف در ارتباط با مخاطب نیمه‌آگاه و نیمه‌متخصص - و در یک کلام مخاطب فقط در جریان کلیات - موفق خواهد بود. به این معنا که وقتی مخاطبی هیچ شناختی از موضوعی نداشته باشد، تحریف حرف و سخن تاثیر گذاری در آن موضوع راه به جایی نمی‌برد و همچنین وقتی که مخاطب متخصص در آن موضوع است نیز تحریف راه به جایی نخواهد برد. تحریف هنگامی کاربرد خواهد داشت که زمینه‌هایی از شناخت موضوع در مخاطب وجود داشته باشد. هنگامی که فرد یا گروهی به اهمیت موضوعی واقفند و نسبت به مسائل پیرامون آن حساسیت نشان می‌دهند و از طرف دیگر شناختی عمیق و دقیق از آن موضوع ندارند، آن زمان است که تحریف بهترین بستر را پیدا می‌کند. در این نوشتار هدف ما آموزش تحریف کردن نیست و از دسته‌بندی فوق‌الذکر هدفی برای واکاوی موفقیت پدیده تحریف در جامعه خویش داریم. اما آیا فرض ما درست است که تحریف پدیده موفقی در جامعه ماست؟ حداقل این است که تحریف پدیده شایعی است و اینکه از رونق نمی‌افتد و همواره آن را همراه زندگی روزمره خود می‌بینیم، هموار کننده پذیرش فرض ماست. در فرهنگ جامعه ما دروغ قبح بسیاری دارد و در دین ما نیز در دسته گناهان کبیره است ولی ما هر روز با سبلی از دروغ‌های مختلف مواجهیم که همه آنها را به سادگی نمی‌توان نانشی از یک ردیلت عریان اخلاقی دانست، چرا که بسیاری از این دروغ‌ها در پشت مصلحت‌های افراد و دارای توجیهاتند و شخص به هیچ‌وجه کار خود را به مثابه یک ردیلت اخلاقی نمی‌داند و این محکوم نبودن فرد از دید وجدان خویش به ساختارهای قوی و زنده توجیه‌کننده بازمی‌گردد. مثال ساده آن چیزی است که دروغ مصلحتی می‌نامند. این پذیرش غیررسمی راه را برای ایجاد و دریافت دروغ و شکل دیگر آن، تحریف، باز می‌کند تا اینجای کلام مشخص شد که تحریف در قالب یک پذیرش تلویحی امکان آن و در بستر عدم شفافیت و آگاهی ایجاد و پذیرفته می‌شود. مسأله جامع‌های زندگی می‌کنیم که مسائل از جهات مختلف برای مردم دارای اهمیت است و از طرف دیگر شناخت و اطلاعات مردم در این زمینه‌ها کافی نیست. به عبارت دیگر مردم نسبت به بسیاری مسائل از جهت ارتباط آنها به منافعشان حساس و از طرف دیگر غیرمتخصص هستند و این راه را برای رشد و پذیرش شایعات و تحریفات باز می‌کند. شاید این مساله مطرح شود که از نظر عقلانی در چنین شرایطی انسان باید به دنبال کسب اطلاعات و سپس قضاوت و عمل بر مبنای آن باشد. مساله‌ای است که در دنبال خود این پرسش را مطرح می‌کند که در اینصورت چرا هنوز شایعه و مسائل تحریف‌شده نقش بسزایی در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند؟ آیا ما با یک جامعه غیرعقل مواجهیم؟ یا به گونه‌های جامعه‌ای به دور از توان کسب اطلاعات؟ اینجاست که باید به شناخت بیشتری نسبت به جامعه همت گمارد. جامعه‌ای که نمی‌شود به مثابه شبه‌روشنفکران، سریع آن را جامعه‌ای غیرعقلایی تشخیص داد و نسخه‌اش را پیچید. در تحلیل این پدیده بهترین راه استفاده از تعبیر جامعه‌گوتامندت و شتابناک است.

ادامه در صفحه ۱۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲ www.vatanemrooz.ir